

تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۷، شماره ۶۴، تابستان ۱۴۰۴، صص ۱۱۹-۱۳۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۸

(مقاله پژوهشی)

DOI:

واکاوی پیوند زبان و قدرت در اشعار طنز ابوالقاسم حالت با بهره‌گیری از رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف

مجتبی دستجردی^۱، دکتر ابراهیم زنگنه^۱، دکتر غلامرضا سالمیان^۲، دکتر خلیل بیگزاده^۳

چکیده

اثرپذیری زبان از مناسبات قدرت همواره با نوعی تمایل ذاتی به پنهان‌شدن همراه است. آشکارسازی این فرآیند موضوع اصلی رویکردی است که تحت عنوان تحلیل گفتمان انتقادی توسط نورمن فرکلاف معرفی شده است. در این رویکرد که به بررسی متن به عنوان بستر تبلور زبان تأکید دارد، تحلیلگر در آغاز با بهره‌گیری از الگویی نظام‌مند به تجزیه متن می‌پردازد و سپس به تشریح ارتباط متن با بافت اجتماعی آن اقدام می‌کند؛ آنگاه با استفاده از داده‌های به‌دست‌آمده، ضمن نیم‌نگاهی به ایدئولوژی‌های بسط‌یافته در متن، ارتباط میان داده‌ها را با مناسبات قدرت در بافت اجتماعی تبیین می‌نماید. نتایج این بررسی همواره حاکی از آن است که پدیدآورندگان متون گاه ضمن همراهی با خواست گروه‌های مسلط، به بازتولید مناسبات قدرت می‌پردازند و گاه افزون‌بر مخالفت با ایشان، با به‌چالش کشیدن این مناسبات، دگرسانی در نظم گفتمانی و تسهیل در تغییر اجتماعی را میسر می‌سازند. رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی اگرچه در بررسی بسیاری از متون کاربرد دارد، اما متون طنز با دربرداشتن دیدگاه‌های نقادانه نسبت به مسائل اجتماعی و مناسبات قدرت، تناسب بیشتری با آن دارند. جستار پیش‌روی نیز که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به‌روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته است، به واکاوی پیوند زبان و قدرت در اشعار طنز ابوالقاسم حالت با بهره‌گیری از رویکرد یادشده پرداخته است. نتایج به‌دست‌آمده گویای آن است که شاعر ضمن مخالفت با گفتمان غالب، با به‌چالش کشیدن مناسبات قدرت موجود در جامعه هم‌روزگار خود، به ایجاد دگرسانی در نظم گفتمانی و تسهیل در تغییر اجتماعی یاری رسانده است.

واژه‌های کلیدی: تحلیل گفتمان انتقادی، قدرت، ایدئولوژی، شعر طنز، ابوالقاسم حالت.

^۱. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

^۱. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسؤول)

^۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

^۳. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.



مقدمه

ستیز برای دستیابی به قدرت، بن‌مایه‌ای تاریخی است که دیرینه‌ای به‌درازای شکل‌گیری نخستین هسته‌های زندگی جمعی انسان به‌شکل قبائل اولیه و اجتماعات یکجانشین دارد. از زمانی که انسان برآن شد بخشی از کاستی‌ها و نیازهای زیستی خود را با زندگی گروهی برطرف کند، نخستین جوامع انسانی پای گرفت و جایگاه‌هایی به‌منظور رهبری و ریاست در عرصه اجتماع پدید آمد که تلاش برای دستیابی بدان، عمده‌ترین و آشکارترین شکل ستیز یادشده محسوب می‌شود. در پی این مسئله، مناسبات قدرت، بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی اجتماعی انسان شد و زبان به‌عنوان عامل برقراری ارتباطات میان انسان‌ها، از آن اثر پذیرفت؛ ضرورت تشریح چگونگی این اثرپذیری نیز زمینه شکل‌گیری رویکردی زبان‌شناختی را در چند دهه اخیر فراهم آورد که تحت عنوان تحلیل گفتمان انتقادی توسط نورمن فرکلاف معرفی گردید. در این رویکرد، متن به عنوان بستر تبلور زبان، فرآورده‌ای اجتماعی در نظر گرفته می‌شود که مناسبات قدرت موجود در جامعه، از خلال ویژگی‌های زبان‌شناختی آن قابل بررسی است. این رویکرد اگرچه در بررسی بسیاری از متون کاربرد دارد، اما در این میان، متون طنز با دربرداشتن دیدگاه‌های نقادانه نسبت به مسائل اجتماعی و مناسبات قدرت، سنخیت بیشتری با آن دارند. این جستار نیز برآن است تا با یاری رویکرد یادشده به واکاوی پیوند زبان و قدرت در اشعار طنز ابوالقاسم حالت (۱۲۹۴-۱۳۷۱) پردازد؛ شاعری که درک دوران حکومت پهلوی اول، پهلوی دوم و بخشی از دوره حاکمیت جمهوری اسلامی بر ایران، آثار طنز او را به یکی از مهم‌ترین منابع شناخت مسائل تاریخ معاصر، در میان متون ادبی این دوره تبدیل کرده است.

پیشینه تحقیق

تاکنون پژوهشی مستقل در زمینه مسئله محوری جستار حاضر صورت نگرفته است، اما در حوزه تحلیل گفتمان شعر طنز آثاری را می‌توان یافت که به‌عنوان پیشینه این پژوهش معرفی می‌شوند.

علی صفایی و علی علیزاده جوبنی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل گفتمان و گفتمان طنز در شعر حرف آخر شاملو» به این نتیجه رسیده‌اند که شعر یادشده مبتنی بر تقابل گفتمانی است و از مؤلفه‌های طنزآفرین برای تقویت گفتمان همسو و نقض گفتمان معارض بهره گرفته است. سجاد عباسی، محمدکاظم کاوه و مهین برخوردار (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «تحلیل

گفتمان شعر طنز مشروطه»، با نگاهی به قطب‌بندی مشهورترین شاعران این دوره، اظهار داشته‌اند قطب‌بندی این شاعران علی‌رغم تفاوت‌های اعتقادی از قرابت زیادی برخوردار است.

روش تحقیق

این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته است. در آغاز با در نظر گرفتن این مسئله که نهادهای اجتماعی کانون شکل‌گیری مناسبات قدرت در جامعه هستند، آن بخش از اشعار طنز ابوالقاسم حالت که در بردارنده اطلاعاتی در خصوص پنج نهاد اصلی جامعه، شامل نهاد حکومتی، نهاد اقتصادی، نهاد دینی، نهاد آموزشی و نهاد خانواده است، از دیوان‌های طنز او استخراج شده است و پس از آن، این اشعار با بهره‌گیری از الگوی تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف بررسی گردیده است.

مبانی تحقیق

از گفتمان تا تحلیل گفتمان انتقادی

واژه گفتمان که نخستین بار در مقاله‌ای با عنوان غرب‌زدگی و بحران تفکر در ایران، توسط داریوش آشوری به کار گرفته شد، برابری فارسی برای واژه *discourse* است که خود از فعل یونانی *discurrere* به معنی حرکت سریع در جهات مختلف اشتقاق یافته است و بر ناپایداری معانی کلمات و مفاهیم در موقعیت‌های زمانی و مکانی متفاوت، تاکید دارد. در واقع گزینش واژه *discourse* ناظر به این عقیده است که با دگرگون شدن ارتباطات در اثر دگرگونی شرایط اجتماعی، ساختار زبان نیز که توضیح‌دهنده آن است تغییر خواهد کرد (ر.ک: عضدالملو، ۱۳۸۰: ۱۵-۱۶)؛ بر این اساس «مطالعه گفتمان نه بر چگونگی درک زبان‌شناختی معنی در متن که بر چگونگی انعکاس ساخت اجتماعی در متون تمرکز دارد» (ویداوسون، ۱۳۹۵: ۱۹)؛ مقصود از ساخت اجتماعی نیز نهادهایی هستند که عرصه شکل‌گیری گفتمان‌های متفاوت و عمدتاً متقابل‌اند و البته، این تقابل بر تلاش هر گفتمان به منظور دستیابی به برتری گفتمانی از طریق بهره‌گیری از منابع قدرت مبتنی است. اما قدرت چیست و به چه شکل به برتری گفتمانی می‌انجامد؟ «قدرت از دسترسی ویژه به منابع اجتماعی مانند تحصیلات، دانش و ثروت به دست می‌آید؛ این منابع اجتماعی برای کسانی که این دسترسی را به دست آورند، اقتدار، پایگاه اجتماعی و نفوذ ایجاد می‌کند و آنها را قادر می‌سازد بر گروه‌های زیردست تسلط پیدا کنند، آنها را کنترل نمایند و به انجام کارهای مدنظر خود وادارند.» (مکین و آمیر، ۱۳۹۷: ۴۸)

مفهوم قدرت پیش از مطرح شدن رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی، چندان مورد توجه نبود، اما فرکلاف با درک اهمیت این مؤلفه، از آن به عنوان عنصری کلیدی در رویکرد خود بهره گرفت. در این رویکرد که دارای فرایندی سه سطحی شامل توصیف، تفسیر و تبیین است، تحلیلگر گفتمان در آغاز با بهره گیری از الگویی نظام مند به تجزیه متن می پردازد (توصیف) و پس از آن به تشریح ارتباط میان بافت متن و بافت اجتماعی آن اقدام می کند (تفسیر)؛ آنگاه با استفاده از داده های به دست آمده، ضمن نیم نگاهی به ایدئولوژی های بسط یافته در متن، ارتباط میان داده ها را با مناسبات قدرت در بافت اجتماعی توضیح می دهد (تبیین). درحقیقت اگر «تحلیل گفتمان این موضوع را می کاود که زبان چگونه پدیده ها را برمی سازد یا چگونه آنها را بازمی تاباند و آشکار می کند» (آسابرگر، ۱۳۹۸: ۲۰)، «تحلیل گفتمان انتقادی ما را به سطحی فراتر از توصیف و به درکی عمیق تر از متون سوق می دهد و تاجایی که امکان داشته باشد تبیین می نماید که چرا متن این گونه است و چه هدفی را دنبال می کند.» (پالتریچ، ۱۳۹۵: ۱۴۴) «هدف تحلیل گفتمان انتقادی این است که آشکار کند چه نوعی از روابط قدرت، به طور مستقیم یا غیرمستقیم در متن وجود دارد.» (مکین و آمیر، ۱۳۹۷: ۴۸)

طنز

«طنز (satire) در اصل واژه ای عربی به معنی مسخره کردن، طعنه زدن، عیب کردن، سخن به رموز گفتن و به استهزاء از کسی سخن گفتن است.» (اصلانی، ۱۳۸۷: ۱۴۰) این واژه افزون بر معانی یادشده از حدود دهه ۱۳۲۰ شمسی به منظور تفکیک طنز از هجویه های رایج در مطبوعات، معنایی جدید به خود گرفت (ر.ک: پزشکزاد، ۱۳۸۴: ۳۹) و به تدریج به اصطلاحی تبدیل شد با دلالت بر نوشته هایی که «نوعی انتقاد بنیادی شوخ چشمانه نسبت به حرکت فردی و اجتماعی و ارتباطات بشری را شامل می شوند.» (مجبایی، ۱۳۹۵، ج ۱: ۲۰) در این گونه ادبی، «نویسنده علت ها و نشانه های واپس ماندگی، عیب ها، تباهی ها و ناروایی های دردناک انسان و جامعه را به قصد اصلاح، با چاشنی خنده و به زبانی ادیبانه برجسته می سازد و با اغراق و به اشاره، کنش های فردی و اجتماعی را نقد می نماید.» (باقری و خاتمی، ۱۴۰۲: ۵۵۷) در واقع طنز با برگزیدن نقد به عنوان شالوده ساختار اندیشگانی خود، می کوشد در جهت اصلاح کاستی ها برآید و کم کاری دیگر ارکان فرهنگی و اجتماعی را جبران نماید.

ابوالقاسم حالت

ابوالقاسم حالت در سال ۱۲۹۴ ه.ش در تهران به دنیا آمد. او پس از فراگیری تحصیلات ابتدایی، در همان ایام نوجوانی به سرودن شعر روی آورد و به سبب بهره‌مندی از ذوق سرشار، زودتر از آنچه انتظار می‌رفت، به حلقه شاعران صاحب‌نام روزگار خود وارد شد. حالت در قالب‌های گوناگون شعری دست به سرایش زد و به گواهی تعدد دیوان‌ها و ابیات پرشمار آنها، یکی از پرکارترین شاعران عصر خویش است. هرچند حالت آثاری به نثر نیز از خود برجای گذاشت، اما شهرت وی مرهون آثار منظوم او، به ویژه اشعار طنز اوست. گرایش حالت به شعر طنز و موفقیت او را در این حوزه باید معلول دو علت دانست؛ نخست، استعداد ذاتی در زمینه طنزپردازی و دیگر، قلم‌زدن در هفته‌نامه فکاهی توفیق که این توفیق او را در سلک طنزپردازان بزرگ عصر خویش درآورد؛ حضور در این هفته‌نامه بیشترین تأثیر را بر گرایش‌های فکری حالت داشت و از او منتقدی چیره‌دست ساخت. گستردگی مضامین، ابتکارات لفظی و بهره‌گیری از زبانی روان، از مهمترین ویژگی‌های اشعار طنز او در سطح ادبی می‌باشد.

بحث

سطح توصیف

توصیف «به تحلیل مقوله‌های زبان‌شناسی گفتمان، فارغ از نقش زمینه می‌پردازد.» (آفاگل‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۴۸) «توصیف در این مرحله به معنای شناخت متن در چارچوب بافت متن و تلاش برای یافتن ارتباط منطقی میان کلمات و هم‌نشینی و هم‌آیی میان واژگان است.» (سادات‌ناصری و دیگران، ۱۳۹۴: ۸۹) تکوین سطح توصیف در تحلیل گفتمان انتقادی درگرو بررسی مؤلفه‌هایی است که در ادامه هریک به همراه نمونه‌هایی از یافته‌های پژوهش ارائه می‌شوند.

عبارت‌بندی دگرسان

عبارت‌بندی دگرسان یا مخالفت‌جویانه تعبیری است برای فرایندی که طی آن «عبارت‌بندی موجود مسلط و طبیعی شده، به طور حساب‌شده‌ای جای خود را به عبارت‌بندی دیگری می‌دهد که در تقابل آگاهانه با آن قرار دارد.» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۴) این فرایند را می‌توان بهره‌گیری از عبارت‌هایی با معنای منفی دانست که نویسنده به وسیله آن گفتمان غالب را به چالش می‌کشد. ابوالقاسم حالت برای انتقاد از سلطه نادلخواه صاحبان قدرت در نهاد حکومتی، از عبارت‌بندی دگرسان این گونه بهره گرفته است:

دانی چه کسان‌اند کنون راهبر ما یک‌مشت ستم‌پیشه و یک‌مشت جفاکار
(حالت، ۱۳۲۵، ج ۱: ۷۷)

او ضمن توصیف برخورد متولیان نهاد دینی با مردم، بدین صفات از آن‌ها یاد می‌کند:
گر فکل بر گردنت بیند فلان شیخ دغا گردنت را خرد خواهد کرد آن گردن‌فراز
(همان: ۲۳۱)

عبارت‌بندی افراطی

عبارت‌بندی افراطی «کاربرد نامعمول شمار زیادی از کلمات تقریباً هم‌معنی در عبارت‌بندی است. این پدیده نشان‌دهنده شیفتگی به جنبه‌ای از واقعیت است که ممکن است بیانگر این باشد که اینجا کانون مبارزه ایدئولوژیک است.» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۶)

رابطه ارباب و رعیت، به‌عنوان بخشی از شاکله نهاد اقتصادی، همواره کانون توجه حالت بوده است. ارباب، صاحب سرمایه و قدرت اقتصادی و رعیت تحت سلطه اوست. عبارت‌بندی افراطی یاریگر شاعر در توصیف این رابطه مبتنی بر زور و سلطه است:

ارباب اگر زور به ما گفت و ستم کرد این قلدری از مردم قلدر عجبی نیست
(حالت، ۱۳۷۲: ۶۸)

روابط معنایی

فرکلاف روابط معنایی را تحت سه عنوان هم‌معنایی، شمول معنایی و تضاد معنایی دسته‌بندی کرده است.

هم‌معنایی

هم‌معنایی گونه‌ای از روابط معنایی است که بر یکسان‌بودن معانی واژگان دلالت دارد. فرکلاف تصریح می‌کند که «یافتن موارد هم‌معنایی مطلق دشوار است، از این‌رو در عالم واقع در پی روابط هم‌معنایی تقریبی بین کلمات هستیم.» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۷) این مؤلفه در واقع گونه‌ای از عبارت‌بندی افراطی محسوب می‌شود، لیکن درک تفاوت این دو، به بسامد عبارات هم‌معنا در متن وابسته است. در این جستار به‌منظور تفکیک این دو مقوله از یکدیگر، کاربرد عبارات هم‌معنا با بسامد بیش‌از دو عبارت در یک بیت، درحوزه عبارت‌بندی افراطی بررسی شده است و مواردی که فقط دو عبارت هم‌معنا در یک بیت ملاحظه می‌شود، به مقوله هم‌معنایی اختصاص یافته است.

حالت با بهره‌گیری از هم‌معنایی، بی‌عدالتی در نهاد آموزشی را این‌گونه توصیف کرده است:
تا پذیرد این سه طفل بنده را خانم مدیر یک‌هزار و نهصد و هفتاد تومان پول خواست
درس انصاف و عدالت می‌دهد اطفال را آن‌که خود اندر عمل سرمشق بی‌انصاف‌هاست
(حالت، ۱۳۷۲: ۲۰)

در این بیت نیز هم‌معنایی واژگان ظلم و جور، به ترسیم سلطه نهاد حکومتی بر مردم یاری رسانده است:

هر آنچه زور بگویند و ظلم و جور کنند سزای طبع نجیب و فروتن من و توست
(حالت، ۱۳۲۵: ۹)

شمول معنایی

شمول معنایی که با مبحث تناسب در علم بدیع همخوانی دارد (ایرانی و دیگران، ۱۳۹۸: ۴۰)، «به طبقاتی از اقلام واژگانی اشاره دارد که میان آنها رابطه عام-خاص یا نمونه‌ای از برقرار است. همچنین ارتباط میان آنها می‌تواند از نوع طبقه و عضو باشد.» (پالتریج، ۱۳۹۵: ۱۷۴)
حالت، اختناق ناشی از سلطه نهاد حکومتی بر مردم را با بهره‌گیری از رابطه عام-خاص میان واژگان زورخانه، گود و میانه‌دار، این‌گونه تصویر کرده است:

این زورخانه‌ای که وطن نام آن بود یک گود تنگ دارد و چندین میانه‌دار
(حالت، ۱۳۲۵، ج ۱: ۷۷)

او مسئله اعمال نفوذ بیگانگان را با یاری تناسب این‌گونه مطرح کرده است:
ما به ساز غیر می‌رقصیم و مطرب می‌زند رنگی از آن رنگ‌ها با تاری از آن تارها
(همان: ۴۸)

سلطه کنشگران نهاد اقتصادی نیز در بستر تناسب در شعر حالت قابل مشاهده است:
نرخ کالا دم‌به‌دم می‌رفت بالا چون کسی مانع اجحاف تاجرهای بازاری نبود
(همان: ۱۰۱)

خانواده دیگر نهادی است که در ساختار آن نوعی از مناسبات قدرت قابل مشاهده است؛ سخن از سلطه صاحب خانه بر خدمتگزار است و تناسب، یاریگر شاعر در پرداختن بدین مسئله:

شبی به سرور خود گفت نوکری که چرا تو را نصیب طلا و مرا نصیب بلاست

سحر ز خانه برونش فکند و گفت بدو بزنبه چاک که اینجا نه جای چون و چراست
(همان: ۴۰)

تضاد معنایی

این مؤلفه «معانی متضاد و تقابلی را شرح می دهد.» (پالتریچ، ۱۳۹۵: ۹۹)
عدلیه به عنوان بخشی از نهاد حکومتی، برخلاف انتظار، بر مردم ظلم روا می دارد. حالت این مسئله را با بهره گیری از واژگان متضاد بدین شکل مطرح کرده است:
راستی باید که این عدلیه را ظلمیه خواند زانکه در عدلیه فعلا مردم آزاری مد است
(حالت، ۱۳۲۵، ج ۲: ۱۶)
در این بیت نیز تضاد واژگان قوی و ضعیف، دستمایه او برای به نمایش گذاشتن سلطه نهاد حکومتی بر مردم است:
چرا به دست گروهی قوی در این کشور همیشه حق گروهی ضعیف پامال است
(همان، ج ۱: ۵۸)

حسن تعبیر

اصطلاح حسن تعبیر «در مورد کلمه ای به کار می رود که به منظور اجتناب از ارزش های منفی جانشین کلمه ای متعارف تر یا آشنا تر می شود.» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۹) براین اساس، این مؤلفه را می توان نقطه مقابل عبارت بندی دگرسان دانست. با توجه به ماهیت حسن تعبیر و ناسازگاری آن با وجه انتقادی گونه طنز، نمونه های این مؤلفه در اشعار طنز حالت بسیار اندک است و صرفاً در خصوص گروه های تحت سلطه کاربرد یافته است:
ساده لوحی تو که داد از بدی وضع کنی پیش قومی که از این هم بترت می خواهند
(حالت، ۱۳۶۲: ۱۵۸)

جایگزینی ترکیب ساده لوح به جای صفاتی چون نادان، احمق و... از تلاش شاعر به منظور تلطیف کلام خویش هنگام سخن گفتن از مردم حکایت دارد.

رسمی یا محاوره ای بودن

فرکلاف معتقد است «رسمی بودن بیانگر مؤدب بودن، ملاحظه مشارکین برای حفظ وجهه یکدیگر و احترام به شأن و مقام دیگری است.» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۸۰) بر مبنای این قاعده، کاربرد الفاظ غیررسمی به عنوان نقطه مقابل این امر، تلاشی است هدفمند به منظور زیر سؤال بردن

وجهه یا اقتدار مشارکین. حالت که حرمتی برای صاحبان اقتدار در نهاد حکومتی قائل نیست، قدرت ایشان را با استفاده از الفاظ غیررسمی این گونه به سخره گرفته است:

مرد بی زور چه با این همه خرزور کند جنگ با رستم و هرکول مگر آسان است
(حالت، ۱۳۶۲: ۳۷)

استعاره

«استعاره وسیله‌ای برای بازنمایی جنبه‌ای از تجربه برحسب جنبه‌ای دیگر از آن است و کلیه جنبه‌های تجربه را می‌توان برحسب هرتعداد استعاره بازنمایی کرد... استعاره‌های مختلف دارای وابستگی‌های ایدئولوژیک متفاوتی هستند.» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۸۱-۱۸۲) «شناسایی و تحلیل استعاره‌ها اغلب به عنوان روشی برای افشای ایدئولوژی‌ها یا گفتمان‌های احاطه‌کننده موضوع به کار می‌رود.» (بیکر و الس، ۱۳۹۸: ۹)

کاربرد استعاری واژگان شیر و الاغ در این ابیات نشان‌دهنده نگاه ایدئولوژیک شاعر به مسئله سلطه نهاد حکومتی بر مردم و ناتوانی مردم در برابر ایشان است:

در پنجه شیریم گرفتار چو روباه زیرا که محلیم محیلید محیلند
(حالت، ۱۳۲۵، ج ۱: ۷۰)

از این الاغ مرا قصد جز سواری نیست تهیه جل و پالان به من چه مربوط است
(همان، ج ۲: ۱۵)

نامشخص سازی کنشگر

نامشخص سازی کنشگر افزون بر آنکه می‌تواند بر انگیزه‌های ایدئولوژیک پدیدآورندگان متون دلالت داشته باشد، از وجود مناسبات قدرت میان مشارکان گفتمان خبر می‌دهد. استفاده از افعال مجهول، یکی از شگردهایی است که سببیت و کنشگری را نامشخص باقی می‌گذارد. (ر.ک: فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۹۱) این فرایند به دلیل بی‌پروایی حالت در نقد سلطه‌گران، مجال چندانی برای بروز در شعر او نیافته است:

به پوزه بند سیاست دهان ما بسته است و گرنه کام و دهانی که بی صداست کجاست
(حالت، ۱۳۶۲: ۲۲)

بسته است (بسته شده است) فعل مجهولی است که به وسیله آن کنشگر نامشخص شده است.

افعال منفی

از نظر فرکلاف افعال منفی را می‌توان ساختاری گفتمان‌مدار به حساب آورد، زیرا «نفی آشکارا دارای ارزش تجربی است، ازاین‌حیث که اساسی‌ترین روش برای تشخیص این مطلب است که چه چیزی واقعیت دارد و چه چیزی واقعیت ندارد.» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۹۱)

شکل‌گیری مسئله عدم آزادی بیان، عموماً متأثر از منویات سلطه‌گران در نهاد حکومتی است. حالت، بر نبود آزادی بیان در جامعه این‌گونه تأکید کرده است:

چون نیست بهره ز آزادی بیان ما را کسی برای چه در دست خود قلم دارد
(حالت، ۱۳۷۰: ۹۶)

وجه و وجهیت

فرکلاف با تقسیم‌بندی وجه افعال به سه دسته خبری، پرسشی دستوری و امری (ر.ک: فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۹۲)، کاربرد دو وجه اخیر را با مسئله اقتدار مشارکین گفتمان مرتبط می‌داند. از نظر او امر «چه برای کنش از جانب دیگری و چه برای دریافت اطلاعات از دیگری، معمولاً از جایگاه قدرت صورت می‌گیرد.» (همان) فرکلاف همچنین ضمن بررسی وجه افعال به مسئله وجهیت و ارتباط آن با مناسبات قدرت می‌پردازد. او معتقد است «وجهیت با اقتدار گوییده یا نویسنده سروکار دارد و بسته به این که جهت اقتدار به کدام سو است از دو بُعد برخوردار می‌گردد. نخست، در صورتی که مسئله اقتدار یکی از مشارکین در رابطه با دیگران مطرح باشد، ما از وجهیت رابطه‌ای سخن می‌گوییم؛ دوم، اگر مسئله اقتدار گوییده یا نویسنده در رابطه با احتمال یا صدق بازنمایی واقعیت مطرح باشد با وجهیت بیانی سروکار داریم، یعنی وجهیت ارزیابی گوییده یا نویسنده از صدق یک موضوع. وجهیت به وسیله افعال کمکی وجهی نظیر بایستن، توانستن، ممکن بودن، احتمال داشتن و نیز ویژگی‌های صوری مختلف دیگری از جمله قید و زمان بیان می‌گردد.» (همان: ۱۹۴) باتوجه به آنکه نمونه‌ای از وجه پرسشی دستوری در اشعار طنز حالت یافت نشد و از آنجاکه وجه/وجهیت بسیاری از شواهد شعری ذکر شده در این جستار خبری/بیانی است، به منظور پرهیز از تطویل کلام، صرفاً به ذکر نمونه‌هایی برای وجه امری و وجهیت رابطه‌ای در افعال امری و التزامی می‌پردازیم.

حالت با بهره‌گیری از افعال التزامی و وجهیت رابطه‌ای، الزامات مدنظر نهاد حکومتی و فضای بسته سیاسی‌ای را که در نتیجه این اعمال سلطه شکل گرفته، به تصویر کشیده است:

ز آنچه گفتار سیاسی است دهن باید بست نه از آن و نه از این و نه از او باید گفت
 صحبت ظالم و مظلوم نمودن جرم است سخن از رابطه سنگ و سبب باید گفت
 (حالت، ۱۳۷۰: ۸۰)

۱۲۹

در این ابیات نیز وجه امری افعال و وجهیت رابطه‌ای بر وجود سلطه، عدم وجود آزادی‌های مدنی در جامعه و سوءاستفاده از قدرت دلالت دارد:

با من رئیس دفترم شد وارد اندر گفتگو بگرفت آراء مرا بنمود قدری زیر و رو
 یک‌چند از حسرت به‌خود پیچید چون کرم آنگاه بیخ گوش من گفتا بیا بی‌های‌وهو
 دربین این کاندیدها اسم مرا هم جا بده یا رأی بهر ما بده یا زود استعفا بده
 (حالت، ۱۳۲۵، ج ۲: ۱۴۱)

ضمیر

از نظر فرکلاف از میان انواع ضمایر، بررسی دو ضمیر شما و ما در تشریح مناسبات قدرت کارایی بیشتری دارد. استفاده از ضمیر شما برای اشاره به مخاطب، به برتری جایگاه و اقتدار وی دلالت دارد. ضمیر ما نیز که به دو شکل انضمامی و انحصاری کاربرد می‌یابد، در شکل انضمامی شامل گوینده یا گویندگان به‌همراه مخاطب یا مخاطبان آنهاست و در شکل انحصاری صرفاً گوینده یا گویندگان را دربرمی‌گیرد. (ر.ک: فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۹۵-۱۹۶)

ضمیر شما در این بیت موضع برتر حاکمان را به ذهن متبادر می‌کند:

همواره بوده نامه اعمال ما سیاه چون می‌کنیم کار به فرموده شما
 (حالت، ۱۳۷۰: ۱۲)

ضمیر ما در شعر حالت به‌شکل انضمامی و در موضع همراهی شاعر با مردم، به‌عنوان بخش تحت سلطه جامعه کاربرد یافته است:

ز جور مجلسیان آنچه می‌رسد بر ما به شوهران نرسد از جفای بانویان
 (حالت، ۱۳۷۲: ۱۷۳)

ارجاع

ارجاع که با استفاده از ضمایر او، آن، این و... صورت می‌گیرد، از نظر فرکلاف صرفاً در اشاره به مصادیقی کاربرد می‌یابد «که تکیه‌گاهی در متن ندارند و حتی در بافت موقعیتی یک تعامل

آشکار نیستند، بلکه ازپیش فرض شده‌اند.» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۰۱) این شکل از ارجاع که با نوعی پوشیده‌گویی همراه است، می‌تواند با مسائل ایدئولوژیک و مناسبات قدرت مرتبط باشد: زآنچه گفتار سیاسی است دهن باید بست نه از آن و نه از این و نه از او باید گفت (حالت، ۱۳۷۰: ۸۰)

در این بیت مرجع ضمائر، متولیان نهاد حکومتی و دلیل این پوشیده‌گویی، ترسیم اختناق ناشی از سلطه ایشان است.

جملات مرکب

«جمله مرکب دارای یک جمله هسته و یک یا چند جمله وابسته است.» (وحیدیان کامیار و عمرانی، ۱۳۹۲: ۱۱۶) «بند اصلی به لحاظ اطلاعاتی برجسته‌تر از بندهای وابسته است و محتوای بندهای وابسته در حکم پس‌زمینه هستند... در برخی موارد، محتوای بندهای وابسته ازپیش فرض شده است، یعنی چیزی که از نظر کلیه مشارکین شناخته‌شده یا کهنه است.» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۰۱) حالت از ظرفیت اطلاعاتی جملات مرکب در ترسیم سلطه نهادحکومتی بر مردم و کنش فاعلان آن این‌گونه بهره برده است:

کابینه‌ای که شیرۀ مردم همی‌کشد عصارخانه‌ای است ز عصارخانه‌جات
(حالت، ۱۳۷۲: ۳۷)

این که اکنون سوار ماست به ما سال‌ها مغز خر خورانیده
(حالت، ۱۳۲۵، ج ۱: ۱۳۷)

سطح تفسیر

تفسیر فعالیتی است که تحلیل‌گر گفتمان ضمن آن به ایجاد ارتباط میان متن و ساختارهای اجتماعی می‌پردازد. از آنجاکه «نوع ارتباط متن و ساختارهای اجتماعی، رابطه‌ای غیرمستقیم است، این ارتباط بیش‌از هرچیز توسط گفتمان که متن نیز بخشی از آن است برقرار می‌شود.» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۱۴) در این مرحله با استفاده از ابزارهایی همچون محتویات متن و دانش زمینه‌ای به تشریح ارتباط متن و بافت موقعیتی آن پرداخته می‌شود. درواقع تفسیر را می‌توان حاصل ترکیب محتوای متن و ذهنیت مفسر دانست.

دوران حیات حالت در حکومت پهلوی از پرتنش‌ترین برهه‌های تاریخ اجتماعی ایران محسوب می‌شود. مسئله نفوذ بیگانگان در شکل‌گیری این تنش‌ها نقشی مؤثر داشته است.

«روس‌ها مجهز به توپخانه پیشرفته، به سرعت با پیشروی به‌سوی آسیای میانه و قفقاز، شاهان قاجار را در دو جنگ کوتاه‌مدت شکست دادند و پیمان‌های تحقیرآمیز گلستان و ترکمانچای را به آنان تحمیل کردند. ازسوی دیگر، انگلیسی‌ها نیز نفوذشان را گسترش دادند، قاجارها را به واگذارکردن هرات مجبور و معاهده ننگین پاریس را به آن‌ها تحمیل کردند. ازاین‌پس ایرانیان از این دو با نام همسایگان شمالی و جنوبی یاد می‌کردند» (آبراهامیان، ۱۳۹۵: ۷۶):

<u>درین این کاندیدها اسم مرا هم جا بده</u>	<u>یا رأی بهر ما بده یا زود استعفا بده</u>
<u>چو آن ز سمت شمال آید این ز سمت جنوب</u>	<u>کسی که راه ببندد به این و آن سگ کیست</u>

(حالت، ۱۳۲۵، ج ۲: ۱۷)

در این دوران استبداد نیز متأثر از اقدامات نهاد حکومتی در عرصه جامعه آشکارا ملاحظه می‌شود. از نمودهای این مسئله می‌توان به تعطیل کردن روزنامه‌ها، لغو مصونیت پارلمانی از نمایندگان، ازبین بردن احزاب سیاسی و تعیین ترکیب مجلس توسط رضاشاه (ر.ک: آبراهامیان، ۱۳۷۹: ۱۲۶) اشاره کرد. حالت، فضای مختنق ناشی از استبداد را این‌گونه به تصویر کشیده است:

گر مردم ایران همه چون بره مسکین در پنجه گرگانند گرفتار به‌ماچه

(حالت، ۱۳۲۵، ج ۲: ۴۸)

در عرصه مناسبات اقتصادی، مالکان به‌عنوان صاحبان زمین و سرمایه، سلطه‌ای بی‌چون‌وچرا بر رعایا داشتند. لمتون (۱۳۴۵: ۴۶۷-۴۶۸) در این باره می‌نویسد: «مالکان برای تأمین منافع خود غالباً کار را به جایی می‌رسانند که به‌دشواری می‌توان نام عمل مشروع بر آن نهاد. آنها می‌کوشند نامزدهای خود را در رأس مقامات محلی بگمارند و در برخی موارد آنان را آلت فعل گردانند... در جایی که دستگاه اداری مؤثری در مملکت وجود ندارد و درستکاری و خدمت به مردم از سنت‌های چنین دستگاهی به‌شمار نمی‌رود، ارتکاب چنین اعمالی چندان عجیب نیست»:

ارباب اگر زور به ما گفت و ستم کرد این قلدری از مردم قلدر عجیب نیست

(حالت، ۱۳۷۲: ۶۸)

اما با شکل‌گیری انقلاب سفید در دوره سلطنت محمدرضا پهلوی، این نوع از مناسبات به یکباره فرومی‌پاشد؛ انقلابی که مسئله محوری آن اصلاحات ارضی بود. «مقدمات این اصلاحات در سال ۱۳۴۰/۱۹۶۲ در دوران نخست وزیری علی امینی فراهم شد و یک سال بعد

شاه آن را تصویب و به عنوان مهم ترین دستاورد خود مطرح کرد. براین اساس زمین های مازاد باید همراه با حقوق مرتبط با اجاره داری به کشاورزان منتقل می شد» (آبراهامیان، ۱۳۹۵: ۲۴۰):

دوش ارباب که دادست ده خویش ز دست
همچو نی سخت شکایت ز جدایی می کرد
(حالت، ۱۳۷۲: ۷۸)

۱۳۲

سطح تبیین

تبیین «گفتمان را به عنوان کنش اجتماعی توصیف می کند و نشان می دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی، گفتمان را تعیین می بخشد؛ همچنین تبیین نشان می دهد که گفتمان ها چه تأثیرات بازتولیدی می توانند بر آن ساختارها بگذارند، تأثیراتی که منجر به حفظ یا تغییر آن ساختارها می شوند.» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۴۵) در رویکرد تحلیلی فرکلاف «منظور از ساختارهای اجتماعی، مناسبات قدرت است» (همان)، بنابراین تبیین «عبارت است از در نظر گرفتن گفتمان به عنوان جزیی از روند مبارزه اجتماعی در ظرف مناسبات قدرت.» (همان)

بر مبنای داده های پژوهش، نهاد حکومتی با بیشترین دسترسی به منابع قدرت، با ظلم و جور بر مردم، ایجاد اختناق در فضای سیاسی جامعه و ترویج بی عدالتی، بیش از دیگر نهادها آماج انتقاد شاعر بوده است. این نهاد، خود متأثر از نفوذ بیگانگان و تحت سلطه آنهاست. ابعاد ایدئولوژیک اندیشه شاعر در بازنمایی نهاد حکومتی، بر لزوم مبارزه با ظلم حاکمان، بی عدالتی، عدم آزادی بیان، سوء استفاده از قدرت و بی ارادگی بانیان این نهاد در برابر سلطه و نفوذ بیگانگان دلالت دارد. مناسبات قدرت در نهاد اقتصادی، بیشتر با ترسیم رابطه ارباب- رعیت در اشعار طنز حالت بازتاب یافته است. ارباب، زورگو و ستمگر است و رعیت در برابر خواست او یارای مقاومت ندارد. شاعر گاه نیز به مسئله اجحاف بازاریان بر مردم و سوء استفاده ایشان از قدرت صنفی خود پرداخته است. براین اساس، او با ترسیم ظلم و جور ارباب در حق رعیت و اجحاف بازاریان در حق مردم، کوشیده است ضمن بازنمایی اوضاع نهاد اقتصادی، به شکل ضمنی بر نگرش خود مبنی بر نیاز به ایجاد تغییر در این روند تأکید ورزد. در جامعه هم روزگار شاعر شکلی دیگر از مناسبات قدرت، در تلاش متولیان نهاد دینی به منظور هم جهت نمودن افراد جامعه با خواست خود قابل بازیابی است. حالت رفتارهای حاصل از این مسئله را برنرفته است و با یادکرد منفی از متولیان این نهاد، مخالفت خود را با ایشان ابراز داشته است. او مناسبات قدرت در نهاد آموزشی را با تشریح مسئله بی عدالتی حاکم بر عملکرد این نهاد و برخورد

دوگانه متولیان آن با اقشار سطوح بالادستی و پایین‌دستی جامعه به نمایش می‌گذارد. مناسبات قدرت در نهاد خانواده بیشتر در قالب رابطه صاحب خانه و خدمتگذار در اشعار طنز حالت دیده می‌شود. صاحب خانه حاکم مطلق و خدمتگذار محکوم به اطاعت از اوست. حالت کوشیده است ضمن تشریح این سلطه، به مسئله تضاد طبقاتی موجود در جامعه نیز پردازد و لزوم تغییر در این رویه را به‌عنوان بخشی از روند مبارزه اجتماعی به مخاطب یادآور شود. در مجموع، گفتمان طنز حالت با تشریح مناسبات نابرابر قدرت در سطوح گوناگون نهادی، به مبارزه بر علیه این نابرابری‌ها برخاسته است و با طرح دیدگاه‌های انتقادی، کوشیده است به ایجاد تغییر در این وضعیت یاری رساند.

نتیجه‌گیری

شعر طنز حالت در سطح توصیف از مؤلفه‌هایی همچون عبارت‌بندی دگرسان، عبارت‌بندی افراطی، هم‌معنایی، شمول معنایی و تضاد معنایی برای به‌چالش کشیدن سلطه صاحبان قدرت در نهادهای حکومتی، دینی، اقتصادی، آموزشی و خانواده یاری جسته است و از این رهگذر توانسته است به نقد مسائلی پردازد که متأثر از مناسبات نابرابر قدرت در جامعه شکل گرفته‌اند. عدم استفاده از حسن تعبیر و بهره‌گیری از واژگان غیررسمی در توصیف سلطه‌گران نهاد حکومتی، از تلاش حالت به‌منظور مخدوش‌نمودن وجهه صاحبان اقتدار در این نهاد خبر می‌دهد. استعاره مؤلفه دیگری است که شاعر به‌وسیله آن سلطه حاکمان بر مردم و رفتار مشمئزکننده ایشان را نسبت به مردم به نمایش گذاشته است. پنهان‌سازی کنشگر با ذات انتقادی طنز چندان سازگار نیست، از این روی حالت در مواردی معدود با استفاده از فعل مجهول کنشگر را نامشخص باقی گذاشته و در دیگر موارد با یادکرد مستقیم از کنشگران نهادهای مختلف به آنان تاخته است. شاعر به‌یاری افعال منفی بر مسائلی از قبیل عدم آزادی بیان در جامعه تاکید ورزیده است و بهره‌گیری از وجهیت رابطه‌ای، وجه التزامی و وجه امری یاریگر او در تشریح اختناق حاکم بر فضای سیاسی جامعه، عدم وجود آزادی‌های مدنی و سوءاستفاده صاحبان قدرت از جایگاه خویش بوده است. ضمائر نیز به‌شکلی هدفمند در اشعار طنز حالت کاربرد یافته‌اند؛ ضمیر شما برتری جایگاه مخاطب را به ذهن تداعی می‌کند و ضمیر ما نیز نشان‌دهنده همراهی شاعر با مردم به‌عنوان اعضای جناح تحت سلطه است. شاعر از ارجاع نیز که نوعی پوشیده‌گویی در کلام است برای نشان‌دادن اختناق موجود در فضای سیاسی جامعه بهره برده

است. بهره‌گیری از نقش جملات پایه در انتقال بار اطلاعاتی جملات مرکب، راهکار دیگری است که او با استفاده از آن به تشریح وجوهی از مناسبات نابرابر قدرت در جامعه پرداخته است. بررسی اشعار طنز حالت در سطح تفسیر، آشکارکننده پیوند ساختارهای متنی این اشعار با بافت موقعیتی آن است، به گونه‌ای که بسیاری از مهم‌ترین وقایع بافت موقعیتی اشعار طنز حالت را در متن این اشعار می‌توان بازجست. در سطح تبیین نیز بررسی این اشعار افزون‌برآنکه بر تلاش مستمر شاعر در جهت به‌چالش کشیدن مناسبات نابرابر قدرت در نهادهای مختلف جامعه صحنه می‌گذارد، شعر او را به‌عنوان کانونی ایدئولوژیک در مبارزه برعلیه این مناسبات ترسیم می‌نماید؛ این سطح از تحلیل همچنین گویای آن است که موضع‌گیری شاعر در این کانون، ضمن مخالفت با وضع موجود، در شکل‌دهی به تغییر اجتماعی می‌تواند مؤثر باشد.

منابع

کتاب‌ها

- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۷۹). *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه گروه مترجمان، تهران: مرکز.
- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۹۵). *تاریخ ایران مدرن*، ترجمه محمدابراهیم فتاحی، تهران: نی.
- آسابرگر، آرتور. (۱۳۹۸). *تحلیل گفتمان کاربردی*، ترجمه حسین پاینده، تهران: مروارید.
- آقاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۹۳). *تحلیل گفتمان و کاربردشناسی*، تهران: نویسه پارس.
- اصلانی، محمدرضا. (۱۳۸۷). *فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز*، تهران: کاروان.
- بیکر، پل، و الس، سیونل. (۱۳۹۸). *فرهنگ مفاهیم کلیدی تحلیل گفتمان*، ترجمه داود کوهی، تبریز: آکادمیک.
- پالتریچ، برایان. (۱۳۹۵). *درآمدی بر تحلیل گفتمان*، ترجمه طاهره همتی، تهران: نویسه پارس.
- پزشک‌زاد، ایرج. (۱۳۸۴). *طنز فاخر سعدی*، تهران: ثاقب.
- حالت، ابوالقاسم. (۱۳۲۵). *فکاهیات*، ۲ جلد، تهران: شرکت سهامی چاپ چهر.
- حالت، ابوالقاسم. (۱۳۶۲). *دیوان خروس لاری*، تهران: تالار کتاب.
- حالت، ابوالقاسم. (۱۳۷۲). *دیوان شوخ*، تهران: ما.
- حالت، ابوالقاسم. (۱۳۷۰). *دیوان ابوالعینک*، تهران: سنایی.
- عضدانلو، حمید. (۱۳۸۰). *گفتمان و جامعه*، تهران: نی.

فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفتمان*، ترجمه گروه مترجمان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

لمتون، آن کاترین سواين فورد. (۱۳۴۵). *مالک و زارع در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

مجبای، جواد. (۱۳۹۵). *تاریخ طنز ادبی ایران*، ۲ جلد، تهران: ثالث.

مکین، دیوید، و امیر، آندره. (۱۳۹۷). *چگونه تحلیل گفتمان انتقادی انجام دهیم*، ترجمه مهدی کوچک‌زاده، تهران: سوره مهر.

وحیدیان کامیار، تقی، و عمرانی، غلامرضا. (۱۳۹۲). *دستور زبان فارسی*، تهران: سمت.
ویداوسون، اچ جی. (۱۳۹۵). *تحلیل گفتمان*، ترجمه نگار ایلغمی و نگار داوری اردکانی، تهران: جامعه‌شناسان.

مقالات

ایرانی، محمد، سالمیان، غلامرضا، و منصوری، زهرا. (۱۳۹۸). تحلیل واژگان مرتبط با اجتماعیات در خمسه نظامی با رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف. *متن‌پژوهی ادبی*، ۲۳ (۸۰)، ۳۳-۶۰. Doi:10.22054/ltr.2018.19825.1789

باقری، سیده الهام، و خاتمی، احمد. (۱۴۰۲). *شگردهای طنزپردازی در حدیقه الحقیقه سنایی و کارکرد ارتباطی آن*. *تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)*، ۱۵ (۵۶)، ۵۵۲-۵۸۶. Doi:10.30495/dk.2023.1970926.2604

سادات ناصری، زهره، فاروقی، جلیل‌الله، ناصری، امین، و محمدی، ابراهیم. (۱۳۹۴). تحلیل گفتمان انتقادی داستان مرگ بونصر مشکان براساس رویکرد نورمن فرکلاف. *علم زبان*، ۳ (۴)، ۸۵-۱۱۰. Doi: 10.22054/lr.2015.7285

References

Books

Abrahamian, Yerevan. (2000). *Iran between two revolutions*, Trans. group of translators, Tehran: Markaz. [In Persian]

Abrahamian, Yerevan. (2016). *History of modern Iran*, Trans. Mohammadebrahim Fattahi, Tehran: Ney. [In Persian]

Aqagolzade, Ferdows. (2014). *Discourse analysis and pragmatics*, Tehran: Nevise-ye parsi. [In Persian]

Asaberger, Arthur. (2019). *Applied discourse analysis*, Trans. Hoseyn Payande, Tehran: Morvarid. [In Persian]

Aslani, Mohammad Reza. (2008). *Glossary of satire terms*, Tehran: Karevan. [In Persian].

Azodanloo, Hamid. (2001). *Discourse and society*, Tehran: Ney. [In Persian]

Baker, Paul, & Ellece, Sibonelle. (2019). *A dictionary of key concepts of discourse analysis*, Trans. Davood Koochi, Tabriz: Academic. [In Persian]

Fairclough, Norman. (2000). *Critical analysis of discourse*, Trans. group of translators, Tehran: Markaz-e motale'at va tahqiqat-e rasaneha. [In Persian]

Halat, Abu al-Qasim. (1946) *Fokahiyat*, Vol 2, Tehran: Chehr. [In Persian]

Halat, Abu al-Qasim. (1983) *Divan-e khroos lari*, Tehran: Talar-e ketab. [In Persian].

Halat, Abu al-Qasim. (1991) *Divan-e abol'eynak*, Tehran: Sanayi. [In Persian]

Halat, Abu al-Qasim. (1993) *Divan-e shookh*, Tehran: Ma. [In Persian]

Lambton, Anne Catherine Swynford. (1966). *Owner and farmer in Iran*, Trans. Manoochehr Amir, Tehran: Bongah-e tarjome va nashr-e ketab. [In Persian]

Machine, David, & Amir, Andre. (2018). *How to do critical discourse analysis*, Trans. Mahdi Koochakzade, Tehran: Soore-ye mehr. [In Persian]

Mojabi, Javad. (2016). *The history of Iranian literary satire*, Tehran: Sales. [In Persian]

Paltridge, Brian. (2016). *An introduction to discourse analysis*, Trans. Tahere Hemmati, Tehran: Nevise-ye parsi. [In Persian]

Pezeshkzad , Iraj. (2005). *Saadi's great satire*, Tehran: Saqeb. [In Persian]

Vahidian kamyar, Taghi, & Omrani, Gholamreza. (2013) *Persian grammer*, Tehran: Samt. [In Persian]

Widdawson, H.G. (2016). *Discourse analysis*, Trans. Negar-e Ilqami & Negar Davari Ardakani, Tehran: jame'eshenasan. [In Persian]

Articles

Baqeri, S.E. & Khatami, A. (2023). The Modes of Satire in Hadiqat al-Haqiqah Sana'i and its Communicative. *Interpretation and analysis of Persian language and literature texts (Dehkhoda)*, 15(56), 552-586. doi: 10.30495/dk.2023.1970926.2604. [In Persian]

Irani, M., Salemian, Q., & Mansuri, Z. (2019). Analysis of vocabulary related to societies in the Nezami's Khamse with the approach of critical analysis of Fairclough discourse. *Literary research text*, 23(80), 33-60. doi:10.22054/ltr.2018.19825.1789. [In Persian]

Sadatnaseri, Z., Faruqi, J., Naseri, A., & Mohammadi, E. (2015). Analyzing the critical discourse of the story of the death of Bunasr-e Moshkan based on Norman Fairclough's approach. *Language science*, 3(4), 85-110. doi: 10.22054/lr.2015.7285. [In Persian]

Analyzing the link between language and power in the satirical poems of Abolqasem Halat using the approach of critical discourse analysis of Fairclough

Mojtaba Dastjerdi¹, Dr. Ebrahim Zanganeh², Dr. Gholamreza Salemian³, Dr. Khalil Beig-zadeh⁴

Abstract

Language impressionability from power relations is always accompanied by a kind of inherent tendency to get hidden. Revealing this process is the main theme of the approach that was presented by Norman Fairclough under the title of critical discourse analysis. Of course, in this field, reviewing the text as a platform for language crystallization was emphasized. At first, the analyst first analyzes the text using a systematic model, because he can analysis a text Systematically then after that he explains the relationship between the text and the social context which obtained by data, Therefore, he should pay attention to expended ideologies in a text to understand the relationship between data with power terms in social context. The results in this way, revealed that the authors of texts, sometimes reproduce power relations while accompanying the wishes of dominant groups, and sometimes, in addition to opposing them, by challenging these relations, they make it possible to change the discourse order and facilitate social change. Although the approach of critical discourse analysis is used in the examination of many texts, satirical texts are more suited to it by including critical views on social issues and power relations. Current article, it is done by using Library references in analytical-descriptive method to discover and review the link between language and power in Abolqasem Halat's satirical poems by exploiting from mentioned approach. Finally, the results show that the poet, while opposing the dominant discourse, by challenging the existing power relations in her contemporary society, helped create a change in the discourse order and facilitate social change.

Key words: Critical discourse analysis, Power, Ideology, Satirical poems, Abolqasem Halat.

¹ . PhD student, Department of Persian Language and Literature, Razi University, Kermanshah, Iran. mojtabadastjerdi@yahoo.com

² . Associate Professor of Persian Language and Literature, Razi University, Kermanshah, Iran. (Corresponding author) erahimi2009@yahoo.com

³ . Associate Professor of Persian Language and Literature, Razi University, Kermanshah, Iran. salemian@razi.ac.ir

⁴ . Associate Professor of Persian Language and Literature, Razi University, Kermanshah, Iran. kbaygzade@yahoo.com